

همه چیز درباره قیام بابک خرم‌دین

۱۴ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۱

جنبش‌های سیاسی اجتماعی تاریخ ایران علی‌رغم تلخ‌کامی‌ها و خونباری‌شان روایت حماسی شجاعت و آزادی‌خواهی ملتی است که در برابر طوفان می‌ایستند، خانه را روشن می‌کنند تا بدانیم که گذشته علت تامله اکنون ما نیست بلکه ما ایستاده بر شانه‌های گذشته اکنون را می‌سازیم.

جنبش‌های سیاسی اجتماعی تاریخ ایران علی‌رغم تلخ‌کامی‌ها و خونباری‌شان روایت حماسی شجاعت و آزادی‌خواهی ملتی است که در برابر طوفان می‌ایستند، خانه را روشن می‌کنند تا بدانیم که گذشته علت تامله اکنون ما نیست بلکه ما ایستاده بر شانه‌های گذشته اکنون را می‌سازیم.

آیا چنان‌که نویسنده در متن می‌گوید مزدیکان ثنوی بوده‌اند؟ این یکی از اتهاماتی است که در طول تاریخ همواره اعراب به مزدکیان نسبت می‌داده‌اند اما در دینکرد، متنی زرتشتی و علیه مزدیکان، اشاراتی دال بر یگانه‌پرستی مزدیکان دیده می‌شود. آیا بابک انگیزه دینی داشته یا هوای قدرت و جاه؟ شاید نگران ایران بوده؟! امیدواریم مقاله زیر شما را به بیشتر خواندن و بیشتر دانستن برانگیزد.

خرم‌دینان یا خردیه نام فرقه‌ای است که بعد از قتل ابومسلم بنای مخالفت را با خلفای عباسی در بلاد غربی و شمال غربی ایران مخصوصاً در آذربایجان گذاشتند.

آیین خرم‌دینان

خرم‌دینان مانند مزدیکان پیرو ثنویت بودند، یعنی به دو مبدأ جهانی که عبارت از «روشنایی» و «تاریکی» است معتقد بودند. این آیین در بین طبقات فرودست رایج و مقبول بود چون معتقد بودند سازمان اجتماعی که بنیان آن بر عدم تساوی مالی و ظلم و اجحاف نهاده شده، آفریده مبدأ تاریکی است و خرمیان پیروان آیین‌های دیگر را ناحق نمی‌دانستند و از ریختن خون پرهیز داشتند و اهل کشت و کشتار و یغماگری نبودند.

چگونگی پیدایش شورش خرم‌دینان

خرم دینان پس از کشته شدن ابومسلم به دست منصور عباسی سخت به خشم آمدند و این ظاهرا برای آن بود که ابومسلم را چونان کسی می دیدند که در برابر تازیان سر بر کشیده است و از همین رو پس از کشته شدن او در پی تحقق آرزوهایشان بودند و می خواستند فرمانروایی به ایرانیان بازگردد.

در سال ۱۹۸ هجری قمری بیشتر سرزمین های عراق و شام و یمن و آذربایجان و ارمنستان از پایتخت خلافت فرمان نمی بردند. در این سرزمین ها برخی از سرداران تازی سر به شورش برداشته بودند. مأمون در یکی از سال های پر آشوب، «حاتم بن هرثمه بن اعین» را به فرمانروایی ارمنستان فرستاد ولی چند روز پس از این گماشتگی به حاتم خبر رسید که پدرش هرثمه در زندان مأمون مرده است، بدین سان او با مأمون سر ناسازگاری گذاشت و با سران و زمین داران بزرگ ارمنستان و نیز با خرم دینان به نامه نگاری پرداخت و کار مسلمانان را در نگاه آنها خرد و ناچیز جلوه داد تا آنکه بابک و خرمان سر بر آوردند و بابک بر آذربایجان چیره شد.

گذشته از انگیزه سیاسی، انگیزه اقتصادی را نیز نباید از نظر دور داشت. یاران بابک و خرم دینان در تنگدستی می زیستند. این تنگدستی به طور کلی برخاسته از زورگویی عاملان حکومتی و جنگ های امرای محلی با یکدیگر بوده است.

بابک خرم دین پیشوای خرم دینان است که آغاز به کار او از آنجا بود که همسر جاویدان بن سهل، رهبر پیشین خرمان وی را برای جانشینی همسرش برگزید و آن را به خرمان اعلام کرد.

روایت مربوط به آیین و نسب دوران کودکی بابک متناقض می باشد. او روستازاده بود و در میان گروهی زندگی می کرد که با اعراب و آداب و رسوم و عقاید آنان دشمن بودند. بابک اندکی پس از رسیدن به جانشینی جاویدان و رهبری خرمان در سال ۲۰۰ بر خلافت عباسی شورید و بر بخش مهمی از آذربایجان شمالی و شرقی چیره شد.

بابک برای نابودی اعراب به سختی فعالیت می کرد. در این زمان مأمون سرگرم گرفتاری های ناشی از مسئله ولایتعهدی امام رضا (ع) و نارضایتی های عباسیان و اعراب بود، به علاوه اقامت طولانی وی در خراسان و دور بودنش از بلاد آذربایجان و عراق، فرصت مناسبی برای پیشرفت کار بابک فراهم کرده بود و همچنین گرفتاری های مأمون در سال های ۲۱۶-۲۱۷ و ۲۱۸ هجری قمری در جنگ با روم شرقی و مرگ او در سال ۲۱۸ موجب شد که خرمان در قسمت های دیگر ایران یعنی در اصفهان، ری، ماسبندان و لرستان سر بر آورند

جنگ با بابک خرم دین

شورش خرمان و قدرت روز افزون بابک در آذربایجان موجب شد تا معتصم، خطر بابک را برخلاف مأمون بسیار جدی بگیرد و در این راستا وی ابتدا ابوسعید محمد بن یوسف را به اردبیل فرستاد تا دژهایی را که بابک ویران ساخته بود از نو بسازد و بر سر راه ها، سپاهیان و دیده بان بگمارد تا وصول آذوقه را از بغداد به اردبیل و از آنجا به میدان جنگ تأمین کند. ابوسعید ضمن اجرای

این مأموریت یکی از سرداران بابک را نیز شکست داد.

پس از آن محمد بن البعیث که در ابتدا با بابک هم پیمان بود، روی از او برگرداند و عصمت نامی از سرداران بابک را گرفت و نزد معتصم فرستاد و محمد بن البعیث اطلاعات زیادی درباره شهرها و دژهای بابک و راه های وصول به آنها را به معتصم داد. به این ترتیب معتصم یکی از سرداران خود را به نام افشین با سپاه زیاد برای دفع بابک فرستاد.

او به شهر برزند از شهرهای آذربایجان که نزدیک دژهای بابک بود رفت و آنجا را لشکرگاه خود ساخت و دژهای میان برزند و اردبیل را مرمت کرد و نظام آذوقه رسانی و کمک رسانی و جاسوسی منظمی را تاسیس کرد و در روستای ارشق، بابک را شکست داد و عده زیادی از یاران بابک را به قتل رسانید.

بابک ناچار به صحرای مغان فرار کرد و از آنجا به دژ محکم خود که بز نام داشت رفت و معتصم نیروی کمکی فراوانی به سرکردگی جعفر خیاط برای افشین فرستاد.

سرانجام افشین با این قوای بزرگ و تدابیر بسیار توانست خود را به تدریج به قلعه بز نزدیک کند و آن را تصرف کند و دستور داد همه کاخ ها و خانه های آن را ویران کنند و چون بابک توانست با چند تن از یاران خود به ارمنستان فرار کند، افشین به تمام بطریقان و بزرگان ارمنستان پیغام داد که بابک را راه ندهند و اگر او را یافتند پیش او بفرستند.

یکی از کشاورزان ارمنستان بابک را شناخت و به سهل بن سنباط ارمنی که بطریق آن ناحیه بود گزارش داد. سهل بن سنباط او را به حيله به قلعه خود آورد و به افشین خبر داد و افشین او را به نزد معتصم فرستاد. خلیفه ابتدا فرمان داد که بابک را با فیلی گرد شهر بگردانند، پس او را با شکنجه و خفت تمام کشتند و پاره های جسدش را بر دور شهر گرداندند

منبع: برترین ها

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۴۵۳/همه-چیز-درباره-قیام-بابک-خرمدین>